

فوتبال خارجی

رنالی‌ها پشت سرمربی درآمدند

روزنامه‌آس در خبری به وضعیت این روزهای کپکشان‌ها پرداخته است. تیمی که در ابتدا با سرمربی جدیدش کولاک به پا کرد اما رفته رفته نتایجش رنگ باخت و آلونسو تحت انتقاد قرار گرفت و حتی درهای خروج را هم دید.

آس در این باره نوشت: «ورزشگاه مندیروزو را حضور ژابی آلونسو روی نیمکت رئال مادرید را تمدید کرد. برد رئال مقابل آلاوس به معنی این است که او احتمالا تا سوپر جام سرمربی خواهد بود. این وینیسپوس بود که به نجات آلونسو آمد و به تغییر رویکرد عملگرایانه این مربی مهر تأیید زد. آلونسو در حال حاضر از تبسم که کیفیت بازی اش افت کرده، می خواهد بیش از هر چیز به ضدحمله تکیه کند.

ژابی او نقشه اولیه اش که برای رئال در نظر گرفته بود صرف نظر کرد و سراغ تاکتیکی رفته که ماه‌ها قبل در تیم پیاده می شد. او تصمیم گرفته به رویکرد دوران آنچلوتی برگردد که تیم در موقعیت میدبلاک دفاع می کرد و روی ضدحملات اصرار داشت. او متوجه ناتوانی تیمش در پرس از بالای زمین شد. وقتی دید که امابه و وینیسپوس از مسئولیت‌شان شانه خالی می کنند و ترجیح می دهند به جای استارت‌های متوالی و پرفشار عقب بنشینند و فشرده شوند.



رئال وقتی در فاز دفاع به آرایش ۴-۲-۴ درآمد موقعیت زیادی به آلاوس نداد، ولی در یک لحظه فضا خالی شد تا بازی به تساوی برسد. در فوتبال مدرن دفاع کردن با دو بازیکن کمتر قابل قبول نیست. حتی رئال مادرید هم نمی تواند با چنین چیزی کنار بیاید و این بزرگ‌ترین ضعفی است که می تواند به جایگاه سرمربی ضرر به بزند. وقتی گونزالو گارسیا به زمین رفت، مشخص شد که این مشکل می تواند در طرف خود.

خوشبختانه برای ژابی آلونسو دیگر کسی نمی تواند ادعا کند که تیم پشت او را خالی کرده است. رئال مادرید به خاطر غرورش بازی می کرد و این وینیسپوس بود که بار سال پاس گل برتری برای رودریگو تیم را به سمت پیروزی برد. رئال وقتی فضا داشته باشد تیم دیگری است. ژابی آلونسو چیزی که تیمش به آن نیاز دارد رامتوجه شده، ولی مشکل زمانی است که حریف فضایی به آنها نمی دهد. «حال باید دید که این پیروزی، سفید پوشان مادریدی را به نوار قبلی برمی گرداند یا نه.

■ ■ ■

خطر سقوط در کمین فیورنتینا

هفته یازدهم سری آ فوتبال ایتالیا، بار دیگر شاهد شکست فیورنتینا بود. این تیم در خانه از هلاس ورونا پذیرایی می کرد و در حالی که هر دو تیم در منطقه سقوط از سری آ جاخوش کرده اند، پیروزی سهم تیم مهمان شد. هلاس ورونا هفته گذشته مقابل آتالانتا به پیروزی رسید. چنین عملکرد فاجعه باری در تاریخ تیم سده اخیر «فیو» بی سابقه بوده است. پیش از این، فیورنتینا تنها در دو فصل سابقه داشته در ۱۵ دیدار متوالی از کسب پیروزی عاجز بماند. این تیم یک بار پیش از آغاز جنگ جهانی دوم در فصل ۲۸-۱۹۲۷ در ۲۱ دیدار متوالی از کسب پیروزی محروم مانده بود و بار دیگر در فصل ۲۱-۱۹۲۰، فیورنتینا با عبور از مرز ۱۵ دیدار متوالی عدم تجربه پیروزی، روند فاجعه بارش را ۱۷ دیدار ادامه داد.



آن فصل فیورنتینا از هفته یازدهم تا پایان هفته بیست وهفتم از کسب پیروزی عاجز ماند و در نهایت هفته بیست وهشتم طعم پیروزی را چشید. تیم اما خوش اقبال بود که به لطف تفاضل گل بهتر در رتبه سیزدهم ایستاد (آن فصل رقابت های سری آ با حضور ۱۶ تیم برگزار می شد) و هم امتیاز با فوجیان سقوط فرار کرد.

«راغوانی ها» در این ۱۵ هفته ابتدایی فصل، ۹ شکست متحمل شده و در ۶ دیدار به تساوی رسیده اند. چنین عملکردی فیورنتینا را در قعر جدول و دیندی، با فاصله هشت امتیازی با منطقه بقا جای داده است. شاگردان واتولی این فصل میانگین کسب ۰.۴ امتیاز در هر دیدار داشته اند و در صورت عدم بهبود این روند، پیش از پایان فصل سقوط شان از سری آ قطعی خواهد شد. فصل گذشته امپولی با ۳۱ امتیاز در رتبه هجدهم جدول قرار گرفت و شانس بقا را از دست داد. فصل پیشین سقوط با ۳۵ امتیاز سهم فروزینونه شد. در صورت ادامه چنین روندی، فیورنتینا تا پایان فصل قادر نیست بیش از ۱۶ امتیاز کسب کند و سقوط حلابخ گوش شان است! «راغوانی ها» هفته آینده به مصاف اودینزه می روند و سپس خارج از خانه، با پارما جدال می کنند. البته دستبخت مشترک پیولی و واتولی در فلورانس با ۲۶ گل خورده در ۱۵ دیدار، عنوان «بدترین خط دفاعی فصل» را آن هم در حضور داوید دخیادرون دروازه به فیورنتینا داده است!

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

نگاهی به دعوایی که برنده نداشته و ندارد

شما صدای ما نیستید!

آریا طاری

شب که از نیمه می گذرد، تلویزیون ایران گاهی به صحنه تئاتری مضحک تبدیل می شود که نویسندش ادعای گویی قصد دارد مرزهای عقلانیت مخاطب را جابه جا کند. اما آنچه در شب های اخیر بر فوتبال ایران گذشت، دیگر یک سوتی ساده یا یک خشم آنی نبود! این پرده برداری از یک تراژدی عمیق اجتماعی بود. تراژدی ای که در آن، دو نماد از دوقشر متفاوت (رسانه و سلبریتی)، در حالی که یقه هم را می درند، بر جنازه اعتماد و شعور مردم می رقصند. داستان از یک ادعای شبه جامعه شناسانه شروع شد، به یک پر خاشگری پوپولیستی رسید و در نهایت به یک حاشای بز دلانه ختم شد. بیایید این کلاف سردرگم را باز کنیم تا ببینیم در پس این غبار، چه حقیقتی قربانی شده است.

برده اول: فیلسوف ویرانی

جواد خیابانی سال هاست که مرز میان گزارشگری و خطابه را گم کرده است. اما این هفته، او را فراتر گذاشت. در جریان کارشناسی یک بازی بین المللی، ناگهان ردای جامعه شناسی بر تن کرد و جمله ای را به زبان آورد که حکم شلیک تیر خلاص به ذات ورزش را داشت: انسان پاک، فوتبالیست نمی شود!

بیایید برای لحظه ای از خنده های عصبی عبور کنیم و به عمق ترساک این گزاره فکر کنیم. خیابانی استدلال کرد که چون در فوتبال تاکتیک وجود دارد و تاکتیک یعنی فریب دادن حریف، پس صداقتی در کار نیست. او هوش هیجانی، استراتژی، آنالیز و هزاران ساعت عرق ریختن برای یادگیری نحوه عبور از دفاع حریف را با ناجوانمردی یکی دانست. او تنها دوومیدانی را ورزش پاک نامید، چون در آن فقط دویدن مطرح است و نه فکر کردن. این نگاه، خطرناک ترین نگاه ممکن به جهان است؛ نگاهی که هوش را دشمن اخلاق می پندارد.

اما در ناک تر از استدلال سبست او، توهین آشکارش به تاریخ بود. وقتی می گوید «فوتبالیست پاک نداریم»، یعنی ناصر حجازی که نماد ایستادگی بود، ناپاک است؟ یعنی علی دایی که با طحال پاره و سر شکسته برای پرچم این کشور دوید و گل زد، فریبکار است؟ یعنی پرویز دهداری، معلم اخلاق، دروغین بود؟ خیابانی با این جمله، نه فقط به نسل امروز، که به نوستالژی های مقدس یک ملت آب دهان انداخت. او به پند و مادرها توصیه کرد فرزندان شان را به فوتبال نفرستند، گویی زمین چمن، قتلگاه اخلاق است و استودیوی جام چم، مبدع فضیلت!

چهره به چهره

اوسمار چطور توانست پرسپولیس و ستاره هایش را احیا کند

جسارت به جای ترس

نازنین دشتی

فوتبال، عجیب ترین سناریونویس دنیاست. گاهی وقت ها برای پیدا کردن گنج نیازی نیست زمین را یکدیند یا به بازارهای نقل و انتقالات خارجی سفر کنید! گاهی گنج درست همان جاست، روی نیمکت، زیر لایه ای از غبار و بی مهری پنهن ایدنه است. داستان این روزهای پرسپولیس، داستان همین گنج های غباریور شده است. شنبه شب، ورزشگاه شاهد پرده برداری از آخرین شاهکار این سناریوی دراماتیک بود. پرسپولیس یک بر صفر آلومینیوم را ک را برد. یک برد اقتصادی، سخت و البته شیرین که حکم به صر نشتینی موقت سرخ ها داد. اما اگر فقط به تابلوی نتایج نگاه کنیم، روح اصلی ماجرا را از دست داده ایم. باید ببینیم چه کسی گل زد؟ چه کسی گره را باز کرد؟ و چه کسانی در هفته های اخیر، پرسپولیس را از باتلاق بیرون کشیدند و به قله رساندند؟ پاسخ این سوالات، ما را به یک حقیقت تکان دهنده می رساند: پرسپولیس دارد با ساق های بازیکنانی نفس می کشد که تا همین چندماه پیش، در دوران سرمربیگری هاشمیان طبق سناریو، با سکون نشین بودند. یا نیمکت نشین مطلق و یا متمم به بی انضباطی و عدم کارایی. بیایید این یازل عجیب را با هم مرور کنیم.

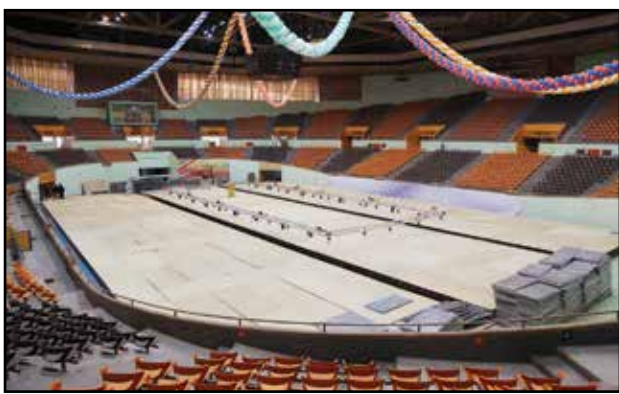
یک شنبه شب، هنوز تماشاگران روی سکوها جابه جاشده بودند که تیوی بیفومامثل صاعقه بر سر مدافعان آلومینیوم فرود آمد. فراری تند و تیز و ضربه ای که سه امتیاز را به حساب اوسمار

اتفاق روز

امکانات مهمی که بی مسئولیت وار رها شده اند

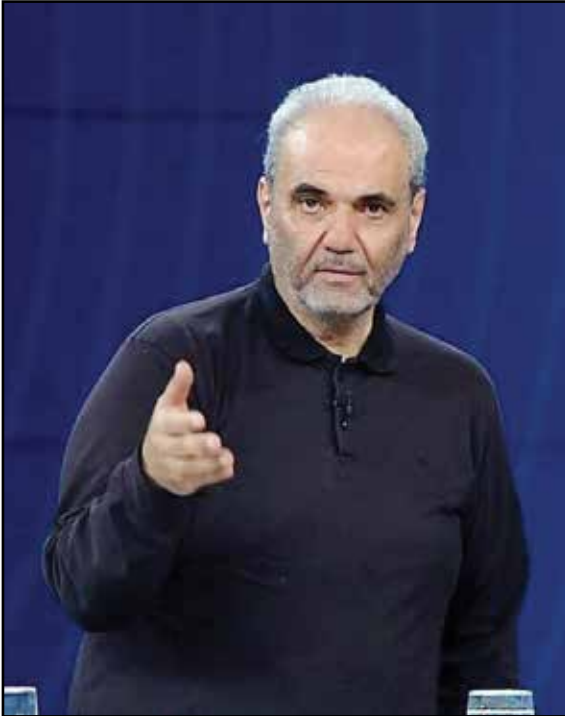
پول هست، مدیریت نیست

شاید این روزها تمام حواس ورزش ایران به بازسازی ونوسازی ورزشگاه آزادی جلب شده و کسی به سالن سر پوشیده ۱۲ هزار نفری و استخر قهرمانی آزادی توجه نمی کند، آن هم در حالی که یک روز مانده به برگزاری فینال لیگ برتر کشتی آزاد ایران، سقف سالن ۱۲ هزار نفری خراب بوده و کف سالن آب جمع شده است! سالن ۱۲ هزار نفری آزادی از قدیمی ترین و بزرگ ترین سالن های سر پوشیده ورزش ایران است که بیش از پنج دهه قدمت دارد و برای مسابقات ورزشی مختلف مانند والیبال، کشتی و فوتسال مورد استفاده قرار می گیرد اما



چاپ: کار و کارگر ۱۷۳۱۷۶۶۸۱
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseeirani.ir
ایمیل: toseeirani@gmail.com
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰ (۰۲۱)
اینستاگرام: @tosee_irani

تoseeirani.ir



بایستید. اگر اشتباه کردید، عذر خواهی کنید. اما انکار واقعیت؟ این توهین مضاعف به شعور مخاطب است.

این عقب نشینی نشان داد که در این جنگ، حتی صداقت در دشمنی هم وجود ندارد. همه چیز بازی است. بازی با کلمات، بازی با احساسات، بازی با اعصاب.

نتیجه گیری

در پایان این هیاهو، وقتی گرد و خاک دعوا فرو بنشیند، چه چیزی باقی می ماند؟ هیچ. فوتبال ما پاک تر نشد. مشکلات بنزین و معیشت مردم حل نشد. حواله های خود رو پس گرفته نشد. کیفیت گزارشگری تلویزیون بالا نرفت. تنها اتفاقی که افتاد این بود که سیاهی بیشتر شد. ما فهمیدیم که اسطوره های مان در ذهن گزارشگر رسمی، ناپاک هستند. و فهمیدیم که مدافعان تیم ملی مان، فقط زمانی یاد مردم می افتند که بخوانند حرف شان را بگویند. ما تماشاگران غمگین این سیرک هستیم. تماشاگرانی که پول بلیطش را با عمر مان، با اعصاب مان و با عشق مان به فوتبال پرداخت کرده ایم. آقای خیابانی، آقای خلیل زاده! شما هر دو راست می گوید و هر دو دروغ می گوید. راست می گوید چون آن یکی واقعاً غیر قابل تحمل است و دروغ می گوید چون هیچ کدام تان دلسوز این فوتبال و این مردم نیستید. شاید بهترین پاسخ به این دعوا، همان چیزی باشد که در نهایت استیصال باید گفت: «لطفاً هر دو ساکت شوید.» بگذارید ما با همان خاطرات خاک خورده حجازی ها و دایی ها و با همان درد بنزین و نان خودمان تنها باشیم. شما صدای ما نیستید؛ شما فقط صدای هیاهوی خودتانید.

جواد خیابانی سال هاست که مرز

میان گزار شگری و خطابه را گم

کرده است. اما این هفته، او پا را فراتر

گذاشت. در جریان کارشناسی

یک بازی بین المللی، ناگهان ردای

جامعه شناسی بر تن کرد و جمله ای

را به زبان آورد که حکم شلیک تیر

خلاص به ذات ورزش را داشت: انسان

پاک، فوتبالیست نمی شود!

مرد دوستی می نژید. مردمی که در صف پمپ بنزین و نانوائی ایستاده اند، نیازی به وکیل مدافعانی ندارند که سوار بر ماشین های صد میلیار دی، غصه بنزین سه هزار تومانی را می خورند. این تناقض، تهوع آور است.

برده سوم: پشت به مردم

اینجاست که به تئوری جنگ منفور هامی رسیدم. آنچه این هفته دیدیم، جنگ حق و باطل نبود. جنگ دو نماینده از دو جریان ناامید کننده بود. در یک سو رسانهای (خیابانی) که سال هاست اعتبارش را از دست داده، حرف هایش بوی کهنگی می دهد، مفاهیم را تحریف می کند و با حرف های عجیب، سعی دارد خودش را در کانون توجه نگه دارد. کسی که هوش را نیز نگ می نامد. در سوی دیگر سلبریتی ورزشی (شجاع) که نماد شکاف طبقاتی است. کسی که طلبکار است، پر خاشگر است و هر نقدی را با توهین پاسخ می دهد و بدتر از همه، از درد مقدس مردم به عنوان سپر دفاعی استفاده می کند.

تصور کنید پوستری را که در آن شجاع و خیابانی، روی یک سکو ای بلند، در حال گلاویز شدن با هم هستند. آنها چنان سرگرم دریدن یکدیگرند که پشت شان کاملاً به مردمی است که پایا یک سک، در تاریکی و فقر دست و پنجه نرم می کنند. این دقیق ترین تصویر از وضعیت امروز فوتبال و رسانه ماست. یک دولت خصوصی، با هزینه اعصاب عمومی.

برده آخر: کمدی انکار

اما تیر خلاص، ساعاتی بعد از صحبت های شجاع شلیک شد. درست وقتی که فضای مجازی

فهمید که پرسپولیس برای قهرمانی، به نظم نیاز دارد اما به جنون هم محتاج است. و اورونوف، همان جنون زیبایی بود که تیم به آن نیاز داشت. گل های حیاتی در بازی های حساس! این پاسخ دندان شکن اورونوف به روزهای تلخ گذشته بود.

فقط خط حمله نیست. در خط دفاع و کنار هاهم رد پای احیاشدگان دیده می شود. میلاد محمدی که او هم روزهای خوبی را سپری نمی کرد و زیر فشار انتقادات بود، حالا سمت چپ پرسپولیس را هم گرفته است. او در سیستم اوسمار، آزادی عمل بیشتری برای نفوذ دارد و با اعتماد به نفسی که باز یافته، تبدیل به همان مدافعی شده که در تیم ملی می شناختیم. او پاس گل سه امتیازی بیفوما را تیرد با آلومینیوم را داد. در میان تمام این هیاهوها باید کلاه را به احترام مردی برداشت که بدون جنجال، بدون مصاحبه های آتشین علیه داوری و بدون بهانه گیری، کارش را کرده! اوسمار ویرا، رسیدن به امتیاز ۱۵ با پرسپولیس، آن هم در شرایطی که تیم را در یک وضعیت بحرانی (چهار جدولی و چهار نظر روحی) تحویل گرفت، یک دستاورد آمار ی فوق العاده است. در تاریخ لیگ برتر، کمتر مربی ای توانسته با چنین سرعتی، تیمش را به مرز ۱۰ امتیاز برساند و میانگین امتیازی در دقهرمانی ثبت کند.

اوسمار نشان داد که مربیگری، فقط چیدن قیف ها در تمرین نیست؛ مربیگری یعنی مدیریت انسان ها. او نیامد که تیم را شخم زند! او آمد پتانسیل های دفن شده را ایبار کند. هنر اوسمار این بود که فهمید مشکل پرسپولیس هاشمیان، ساق ها نبودند، بلکه ذهن ها بودند. او دید که اورونوف انگیزه ندارد، بیفوما سر خورده است و تیم از باختن می ترسد. اوسمار این ترس را گرفت و جایش جسارت کاشت.

سقف استخر آزادی در طول این سال ها تعمیر اساسی نشده ویر اساس آخرین گزارش ها

این استخر از نظر گرمایش اصلا وضعیت خوبی ندارد و از نظر فنی دچار فرسودگی شده و قسمتی از سقف استخر فرو ریخته و بین شیشه های دور تادور استخر فاصله افتاده است و زمانی که باران می بارد با توجه به اینکه قسمت های از سقف سوراخ است، این مساله باعث می شود از قست های مختلف سقف به داخل آب چکه کند و سرمای هواورزشکاران را ذیت می کند.

در شرایط اینچنینی کار شیرجه وهاژ شناگران وواترپلونیست هاسخت تر است چراکه برخلاف شناگران وواترپلونیست ها که بیشتر زمان خود را در آب به سر می برند، شیرجه روها صرفا چند ثانیه در آب هستند و بیشتر زمان تمرین را باید روی خواب و تخته وایو بگذرانند به همین دلیل باید مدت زمان بیشتری سرما را تحمل کنند و در نهایت اینکه متاسفانه شرایط استخر آزادی به گونه ای پیش رفته که باید به صورت فصلی در آن تمرین کرد.

پول ورزش کجاست؟

مهم ترین پرسش در مورد مجموعه ورزشی آزادی، از استاد یوم فوتبال گرفته تا سالن سر پوشیده ۱۲ هزار نفری و استخر قهرمانی این است که چه اقدامی توسط وزرای پیشین ورزش و روسای قبلی شرکت توسعه و نگهداری اما کن ورزشی صورت گرفته که این مجموعه بزرگ و فوق العاده ورزشی به صورت یک مخروبه تحویل نفاتر بعدی شده است؟ پول ها و اعتبارات تزییق شده به ورزش ایران کجاست و به وضعت مجموعه ورزشی آزادی به عنوان و بترین مجموعه های ورزشی کشور چنین حال و روزی دارد؟

در شرایطی که کشور های منطقه در حال ساخت و افتتاح مدرن ترین ورزشگاه های دنیا هستند، سقف برخی مجموعه های ورزشی بزرگ کشور خراب است و آب از آن چکه می کند، چمن ورزشگاه ها بدتر از چمن پارک کوهالاست آن هم در حالی که از سوی دیگر قم قرار دها حاکی از شرایط دیگری است و انعقاد قرار دادهای میلیون دلاری نشان می دهد پول جایی که نباید خرج می شود!